

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه **روزنامه خراسان**

شنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۴

۲۴مهرم ۱۴۲۷ • ۷ آذرماه ۲۰۱۵

۳۳۶

نگاهی به ضرورت بیان تاریخ در سریال های تلویزیونی به بهانه پخش «کیمیا» و «معمای شاه»

کتاب تاریخ در جعبه جادو

نبره حسینی - تاریخ و سرگذشت پیشینیان همواره مهم ترین درس ها را برای انسان داشته است. برای بسیاری از ما این جمله بسیار آشناست که ملتی که تاریخ نخواند محکوم به تکرار تاریخ است. آن چه در این بین مهم است چگونگی نگاه به تاریخ و برداشت های مؤثر و درس آموز از آن است. نویسندگان، محققان و مورخان بسیاری کوشیده اند و می کوشند تا وقایع تاریخی را در قالبی مناسب و قابل فهم برای جوامع مختلف عرضه کنند. این گونه است که متون تاریخی از تنوع زیادی برخوردارند. یکی از جذاب ترین قالب هایی که از متون تاریخی تغذیه می کند، فیلم ها و سریال های تاریخی است که دستمایه فیلمنامه نویسان و کارگردانان قرار می گیرد. این که این ژانر در فیلم ها و سریال ها تا چه اندازه در برداشت های تاریخی راه درست و قابل اعتمادی را طی می کند و همچنین این پرسش که تا چه اندازه می توانیم از این فیلم ها و سریال ها، مسائل و درس های تاریخی را بیاموزیم، دو پرسش مهمی است که همواره درباره این گونه فیلم ها مطرح است. پرداختن به این پرسش ها به بهانه پخش همزمان سریال های «کیمیا» با بن مایه تاریخی از شبکه دو و «شهرزاد» که روایتی است عاشقانه در بستر حوادث سال ۱۳۳۲ و همچنین آغاز پخش سریال «معمای شاه» از شبکه اول موضوع پرونده امروز «زندگی سلام» قرار گرفت.



✓ طرح: آندیس قاسمی

مروری بر کارنامه حسن فتحی، سازنده سریال های تاریخی تلویزیون

عبور از لایه های خشک تاریخ

ندا حبیبی - اومدم به مهد تمدن اروپایی، اما اینجام اثری از عدالت و خوشبختی ندیدم... شاید به خاطر این که بشریت گوشاوش محکم گرفته و نمی خواد به سیاق پیامبران و قدسیین، صدای خدا رو بشنوه! خدا نمرده سارا... دل های ماست که مرده...

دیالوگ های ماندگار آثار حسن فتحی که مجموعه های تاریخی خود را بیشتر در بستر زمانی بعد از قاجار مطرح کرده است، از نقاط درخشان این قبیل سریال هاست. فتحی بلد است چگونه فراز و نشیب تاریخ را در دل قصه هایی که تعریف می کند، مرور کند. نگاه فتحی نگاهی برخاسته از جنبه های ملودرام، روزمره و همین طور عاشقانه وقایع تاریخی است، نگاهی لطیف که مخاطبان را قسمت به قسمت با همدات پنداری بیشتر با قهرمان قصه روبه رو می کندو بیان ظاهر خشک تاریخ هم نیست. نگاهی اجمالی و کوتاه خواهیم داشت به نوع روایت حسن فتحی در آثار تاریخی اش:

پهلوانان نمی میرند

مجموعه پر مخاطب پهلوانان نمی میرند را شاید بتوان با یکی از دیالوگ های زیبای عنایت بخشی در این سریال بهتر توصیف کرد: «بدی این روزگار اینه که تا وقتی غالبی همه کنارتن ولی وای به حال مغلوب که همیشه تنهاست...! این سریال که بعد از بیست سال هنوز هم گاه به گاه بر شیخی شبکه ها به نمایش در می آید قصه خیالی پهلوان خلیل را دستمایه خود قرار می دهد تا به فساد شاهان و دستگاه حکومتی لاابالی گری ها و زده و بندهای شاهزادگان قاجار و درباریان، ظلم و جور حکام ولایات، ناامنی، بی نظمی، ظلم بیش از حد راهزنان و مزدوران حکومتی آن دوران اشاره کند و از اعتبار بی حد و حصر آیین مردانگی و مرشدی در بین مردم آن زمان صحبت به میان آورد. آنچه

گزینش منابع و مآخذ قابل اعتماد

آن چه به اصطلاح پاشنه آشیل آثار تاریخی است، تحلیل ها و تفسیری است که یک منبع تاریخی نسبت به وقایع در بر دارد که می توانند تاخودآگاه بر عوامل ساخت فیلم به ویژه نویسنده فیلمنامه و کارگردان تأثیر بگذارد. بر این اساس غمی را سخ، اراده ای محکم و روح حقیقت جویی در مراجعه به متون و منابع تاریخی و پردازشی ظریف و به واقعیت نزدیک در وجود عوامل ساخت یک فیلم یا سریال تاریخی امری ناگزیر است.

تبدیل متن تاریخی به فیلمنامه

یکی از طبیعی ترین اتفاقاتی که در امر فیلمسازی رخ می دهد، تغییرات بسیار زیاد و ناگزیری است که در فرآیند تبدیل یک اثر مکتوب به فیلم رخ می دهد. فیلم های مشهور زیادی را می توان نام برد که دستمایه فیلمسازانی در سراسر دنیا قرار گرفته اند؛ این گونه آثار همواره با یک تفسیر و نقد روبه رو بوده اند که معمولا از سوی کسانی مطرح می شود که منبع اصلی الهام بخش فیلمساز را خوانده اند؛ برای مثال در فیلم های نامی مثل «جنگ و صلح»، «بر بادرفته»، «آناکارنینا»، «وقتی نیچه گریست» و... که تقریبا بر اقتباسی که برای ساخت فیلم موردنظر صورت گرفته است؛ پخش بسیار زیادی از داستان اصلی از بین رفته، نادیده گرفته شده است و یا متناسب با نوع نگاهو برداشت فیلمنامه نویس و کارگردان به گونه ای خاص جلوه یافته اند. بااذعان به این که بروز چنین رخدادی یک امر طبیعی است؛ ولی نمی توان از آسیب ها و نقایص این کار به راحتی گذر کرد. حال وقتی برداشت از یک منبع داستانی که تمام جزئیات آن از سوی نویسنده نوشته شده و تصویر سازی را بسیار آسان کرده است (گاهی با قلم های بسیار استوارو جادویی مثل قلم «لئون تولستوی») به چنین سرنوشتی دچار می شود، می توان حدس زد بر س یک متن تاریخی که تنها به ذکر کلیات و مباحث اصلی ماجراها می پردازد، چه خواهد آمد؟

گزینش موضع کار از بین وقایع یا چهره های متنوع تاریخی

این که هنرمندان یک جامعه بتوانند با آگاهی و پس از دریافت راهنمایی ها و مشورت های ژرف با کارشناسان تاریخی، گزینشی مناسب برای موضوع کار خود انجام دهند، شاید حرف اصلی را در برقراری ارتباط بینندگان و مخاطبان فیلم با اثر موردنظر می زند. حجمی وسیع از فعالیت ها، امکانات، ابزارها و بسیاری امور هزینه بر دیگر که همگی قرار است در خدمت معرفی یک ژانر تاریخی قرار بگیرند، میزان تأثیر خود را مرون نگاه فیلمساز و فیلمنامه نویس هستند که از بین گزینه های بسیار متنوع کدام سوزه را انتخاب کنندو به آن بپردازند و گاهی از بین راه تاریک و نه چندان روشن تاریخ پیشینیان کدام چراغ ها را فراوری مخاطبان اثر خود روشن کنند؟ وقتی قرار است از ابزار پر هزینه ای مثل ساخت فیلم برای ارائه یک اثر با درونمایه تاریخی استفاده کرد، این گزینه با توجه به مقطع زمان و مکانی خاص اثر اهمیت دوچندان می یابد.

شکل گیری درام در برابر تاریخ

سریال باید محتوای خوبی داشته باشد اما قطعاً پیش از آن باید جذاب باشد، جذابیت هم در کشمکش های شخصیت ها و حوادث پیش می آید برای همین چون در هر واقعه تاریخی نمی توان کشمکش های جذاب پیدا کرد لذا عوامل ناگزیر باید شخصیت ها، مکان ها یا حوادث را پرو بال بدهند یا بازتعریف کنند یا حتی گاهی شخصیت های کاملا غیرواقعی به یک ماجرای تاریخی اضافه کنند تا در کنار شخصیت های واقعی به افزایش جذابیت و شکل گیری یک داستان پر کشش کمک کنند. این جاست که مخالفت ها آغاز می شود و تطبیق ها شکل می گیرد و گاهی یک سریال با ارزش را بعد از سال ها وقت و هزینه به راحتی به محاق می برد.

اندر فواید فیلم و سریال تاریخی

در ساخت فیلم و سریال تاریخی، باید به واقعیت هایی باور داشته باشیم از جمله این که در ساخت یک فیلم، اصالت کار با داستان و هنر است؛ بنابراین بسیار مهم است که انتظار و توقعی را که از یک متن تاریخی داریم نباید از یک فیلم داشته باشیم چون پای فیلم که به میان می آید ما با عالم تخیل و هنر مواجه هستیم. ضمن این که در جایی مثل کشور ما که پیشینه تاریخی بسیار گسترده ای دارد، تولید آثار جذاب تاریخی یک ضرورت انکارناپذیر است. از طرفی متأسفانه همواره با معضل سرانه آنک مطالعه در کشور روبه رو هستیم ولی در کنار این نقیصه بزرگ، به تدرج به دیده ایم اقبال عمومی به فیلم و سینما همواره در درجه بالایی قرار دارد؛ پس بار مسئولیت ارائه اطلاعات تاریخی بر دوش فیلمسازان بیشتر از معمول سنگینی می کند. با این مقدمه به ذکر فواید فیلم و سریال های تاریخی می پردازیم:

- معرفی و یادآوری وقایع و شخصیت های تاریخی** که بسیاری از آن ها حق بزرگی بر گردن ملت ما و گاهی جهانیان دارند؛ همچون: «ابن سینا»، «املاصدرا» و یا «امیرکبیر».
- ترغیب بینندگان به مطالعه** با نمایش جذاب یک اثر تاریخی
- روشن سازی بخش های مغفول مانده و کمتر آشنای یک واقعه تاریخی.**
- بسترسازی برای تولید فیلم های داخلی** مبتنی بر داشته های بومی و خارج ساختن آنتن های تلویزیونی از هجوم فیلم های خارجی و گاه بسیار تکراری چشم بادامی های کره ای و...
- زدودن تحریف ها و اطلاعات تاریخی** جا افتاده در آذهان عمومی با نمایش درست و اصل ماجرا.

در نهایت باید بگویم اگر یک سریال تاریخی موفق باشد مخاطب را از مطالعه بیشتر بی نیاز نمی کند بلکه او را به تامل و تفکر بیشتر در تاریخ جذب می کند، گاهی هم مباحث تاریخ تحلیلی ذهن مخاطب را در گیر می کند؛ چنان که مبتنی بر همین امر، بر نامه تحلیلی «هنگام درنگ» بلافاصله بعد از «مختارنامه» پخش می شد.

که می تواند یک اثر هنری را متمایز کند، توجه آن اثر به ارزش های فرهنگی و سنتی یک ملت است که پهلوانان نمی میرند در این زمینه توانست موفق عمل کند.

شب دهم

قصه حیدر خوش مرام و عشق به شاهزاده قجری، نخستین اثر فتحی بود که پررنگ تر به بیان اتفاقات تاریخی از زمان خلع سلسله قاجار و به روی کار آمدن خاندان پهلوی پرداخت. هر یک از شخصیت ها برای مخاطب دغدغه ای را به وجود می آورد که باعث می شد تا قسمت نهایی سرنوشت تک تک پرسوناژها

برایش مهم و حیاتی باشد! در این سریال هم حسن فتحی به جای ظاهر خشک تاریخ، لایه های مختلف آن را کنار زد و از ظرفیت های مختلف سبک زندگی و مردمشناسی آن روزگار کمک گرفت. توجه ویژه به آیین تعزیه خوانی و زیبایی های کم نظیر آن، توجه به ابهامات و سردرگمی های روایی تاریخی مردم درباره چگونگی به تاج و تخت رسیدن رضاخان، رجوع به روایت های مردمی از قضیه حکم کشف حجاب رضاخانی و پیامدهایش در زندگی روزمره مردم آن زمان از مهم ترین درون مایه های شب دهم بود. از سال هشتاد تا کنون شب دهم رکورد بیشترین تکرار را در تمامی شبکه های تلویزیون دارد.

مدار صفر درجه

بیراه نیست اگر قصه پر ماجرای حبیب پارسا را که یکی از خوش پرداخت ترین قهرمان های مجموعه های تلویزیونی در ده سال اخیر است نقطه بلوغ و مطلوب کارنامه فتحی بدانیم. این مجموعه با رویکردی پخته تر به تمامی وجوه یک روایت تاریخی رسید. این بار فتحی ماجرایش را در حوالی جنگ جهانی دوم می گوید. تعدد قصه ها و شخصیت ها البته با انسجام کافی،



عاملی بود که از دست دادن یک قسمت از سریال، رشته داستان را از دست مخاطب به در می برد. در نتیجه تپش و هیجان دنبال کردن «مدار صفر درجه» در زمان پخش خود مثال زدنی بود. کشته شدن پهلودیان به دست صهیونیست ها، فتح پارس توسط آلمان ها، جنگ و تبعات بی شمار آن در زندگی اروپاییان، حطلی در ایران و شکل گیری حزب های توده و کارگری، خودباختگی برخی ایرانیان و دل سپردن به شعارهای نژاد پرستانه آلمان ها و... تنها بخشی از روایات تاریخی سریال است.

شهرزاد

و آخرین اثر حسن فتحی که این روزها به شبکه نمایش خانگی آمده، روایتی دیگر از کودتای ۲۸ مرداد، قدرت های پشت پرده و سرهای پرسودای جوانان روشن فکر آن دوره است. گرچه قضاوت بر سر دو، سه قسمت نخستین این مجموعه دشوار می نماید؛ اما اولین گاف این مجموعه را صحنه ای دانسته اند که در آن از برادران هفت کلچون به عنوان هفت نفر با سرهای تراشیده پرده برداری می شود، حال آنکه در اسناد تاریخی هفت کلچلون، هشت برادر بودند که اتفاقاً کپل نبودند! در نهایت آنچه که غایت و رسالت هنر نمایش حول آن می چرخد آگاهی بخشی و درگیر کردن ذهن و احساس مخاطب با یک روایت است.



اتفاقات و چهره های تاریخی که در قاب تلویزیون جای گرفتند



طی چنددهه اخیر سریال های تاریخی زیادی داشتیم که هر یک سهم زیادی در افزایش شناخت مردم از تاریخ کشور داشتند، در ادامه مهم ترین سریال های تاریخی را که تاریخ معاصر را به نمایش گذاشتند و اجازه ندادند طعم تلخ سریال های کره ای در ذائقه ما باقی بماند با استفاده از منابع مختلف از جمله «هفت صبح» بررسی می کنیم:

سریال «امیرکبیر»، ساخته سعیدنیک پور در سال ۶۳ یکی از سریال های ماندگار و قابل توجه در زمان خود بود که زندگی این بزرگمرد ایرانی را به تصویر کشید. سریال «روزگار قریب»؛ ساخته کیانوش عیاری در سال ۸۶، روایتگر روزگار دکتر محمد قریب از نوابغ پزشکی ایران زمین و بنیانگذار پزشکی اطفال در ایران است. داستان سریال علاوه بر مرور زندگی دکتر قریب، حوادث سال های ۱۲۹۵ تا ۱۳۵۴ ایران را بررسی می کند. «میرزا کوچک خان» ساخته بهروز افخمی هم به زندگی قهرمان قیام جنگل پرداخت و در زمان خودش خیلی هم پربیننده بود. «کلاه پهلوی» ساخته سید ضیاءالدین در ی؛ پرحاشیه ترین سریال چندسال اخیر و حتی تاریخ تلویزیون است که فقط به خاطر حمایت مدیران وقت به سرانجام رسید. این سریال به رغم هزینه بالای تولید موفقیت چندانی

نداشت و ستاره ای در آن ندرخشید هرچند در ی پیش از آن سریال موفق «کیف انگلیسی» را ساخته بود. «سرزمین کهن» ساخته کمال تبریزی؛ قرار بود در سه فاز، تاریخ معاصر ایران را روایت کند. اما همان فاز اول بعد از کلی اصلاحیه بهمن ۹۲ به پخش رسید و فاز دوم نیمه تمام ماند و فاز سوم هنوز تکلیفش مشخص نیست. اما همان فاز اول

سریال هم بعد از چند قسمت، به خاطر اعتراض های فراوان دیگر پخش نشد.

سریال «شوق پرواز» ساخته ید... صمدی؛ توانست مخاطب تراز خود را به دست بیاورد؛ اما در نهایت اثری پر مخاطب لقب نگرفت. سریال بیش از همه به خاطر خلق شخصیت «شهید بابایی» واجد تحسین است، بازی «شهاب حسینی» بدون اغراق و شعار بود و همین به دلنشین شدن فضای سریال کمک می کرد. ارتباط عاطفی میان او و همسرش برگ برنده دیگر سریال است که به باورپذیری آن کمک می کند.

سریال «کیمیا» ساخته جواد افشار؛ از آن توقع زیادی می رفت، ولی در این مدت توانسته است مخاطب متوسطی داشته باشد. پاشنه آشیل «کیمیا» را باید در تعدد قسمت های آن دید. این سریال برای ۱۱۰ قسمت مجبور است داستان را سر فرصت تعریف کند. همین باعث می شود



داستان با شیب ملایم پیش برد. در سریال «معمای شاه» ساخته محمدرضا وری، که پخشش از دیشب آغاز شده؛ آن چه مورد توجه است مسیری است که سریال طی کرده و نیز نورمائی آن است. ساخته های وری با موضوع تاریخ معاصر همیشه با انتقاد و واکنش منفی همراه بوده است. افزایش تعداد قسمت های سریال از ۵۰ به ۸۰ زنگ خطر به حساب می آید. نکته قابل تأمل دیگر، بررسی جایگاه حرفه ای بازیگران آن است. سازندگان احتمالاً برای جلوگیری از بالا رفتن هزینه تولید، سراغ سوپرستارها نرفته اند.

«در چشم باد» سریالی ۴ قسمتی بود که ساخت آن در اوایل دهه ۸۰ شروع شد و پس از ۷ سال به پخش رسید. با توجه به جزئیاتی که کارگردان رعایت کرده، سریال کم نظیری است. سریال در ۸۰ لوکیشن از جمله بخش هایی در آمریکا فیلمبرداری شده است. علاوه بر آن، جعفری جوزانی، برگ هایی از تاریخ ایران را نمایش داد که کمتر دیده شده بود. مقاومت خلیانان پادگان «قلعه مرغی» تهران و مصیبت هایی که متفقین در جریان جنگ بین الملل دوم، برای مردم ایران به وجود آوردند، از جمله این موارد بود. همچنین نمایش بی پرده بعضی تلخی های دفاع مقدس، در عین آن که انتقادهایی را از کارگردان در پی داشت، اما برای نسل های بعدی و همچنین کسانی که جنگ را از نزدیک لمس نکرده بودند، تازگی داشت.

در چشم باد، درباره شخصیت های تاریخی هم عملکرد قابل قبولی داشت. باید گفت این دسته از شخصیت ها، معمولاً با اولین تصویر سینمایی یا تلویزیونی در آذهان مخاطبان باقی می ماندند؛ اما «در چشم باد» این قاعده را برهم زد. با وجود آن که پیش از این سریال، شخصیت های «میرزا کوچک خان جنگلی» و هم چنین «رضاخان» را مجموعه های تلویزیونی دیگری از جمله سریال «سردار جنگل» روایت کرده بودند، اما تصویری که جعفری جوزانی نمایش داد، ماندگارتر شد. بخشی از این موفقیت ها هم قطعاً به عوامل دیگر سریال بازمی گشت چنان که بسیاری از عوامل از جمله «مهدی حسینی وند» تدوینگر، «حسین علیزاده» آهنگساز و «سعید ملکان» طراح گریم، از بهترین های سینمای ایران هستند. در این بین ۲ انتقاد هم به این سریال وارد می شد؛ یکی کشتدار بودن بعضی صحنه ها و دیگری بعضی گاف هایی بود که در طراحی صحنه و لباس رخ داده بود.